

رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۹۹
پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۸۱-۹۸

زیبایی‌شناسی تناسب معنایی در سوره آل عمران*

نورمحمد خدایاری

دانش آموخته دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

Email: n_m.khodayari91@yahoo.com

دکتر حسن عبداللہی^۱

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: abd@ferdowsi.um.ac.ir

دکتر سید حسین سیدی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: seyedi@ferdowsi.um.ac.ir

دکتر علی نوروزی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: nouroozi@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

قرآن کریم معجزه جاویدان خداوند و زیباترین سخن است. گزینش و چینش واژه‌ها، هماهنگی معانی و استواری نظم از جمله عوامل این زیبایی‌ها می‌باشد که رکن آشکار اعجاز نیز به شمار آمده است. مطالعه این جنبه زیباشناختی قرآن را دانش تناسب که یکی از دانش‌های قرآنی است، برعهده دارد. این دانش پیوندهای هنری و بلاغی چینش واژه‌ها و نظم و ترتیب آیات را در قرآن مورد بررسی قرار می‌دهد و انسجام و تناسب لفظی و معنایی را در آن اثبات می‌کند. نگارنده در این جستار بر آن است تا به این پرسش پاسخ گوید که تناسب معنایی و وحدت موضوعی آیات سوره آل عمران بر اساس چه ساز و کارهای زبانی و بلاغی شکل گرفته است؟ در این راستا، آیات سوره آل عمران از دیدگاه دانش تناسب مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته و با ارائه شواهدی معلوم گشته است که هر چند آیات این سوره با فاصله زمانی و برحسب وقایع مختلفی نازل شده‌اند، اما بر اساس ساز و کارهای بلاغی و زبانی و جلوه‌های زیباشناسی سخن؛ همچون اجمال و تفصیل، تضاد و تقابل، نظیره‌سازی و غیره در کنار هم قرار گرفته و به هم پیوند خورده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آل عمران، تناسب معنایی، زیبایی‌شناسی، اجمال و تفصیل، تقابل، نظیره‌سازی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳.

۱. نویسنده مسئول

مقدمه و بیان مسأله

جستجوی اسرار قرآن کریم، سزاوارترین چیزی است که شایسته است اندیشه‌ها به آن متمرکز گردند و بدن‌ها بخاطر آن به زحمت افتند؛ چرا که فهم و شناخت آن تنها راه فلاح و رستگاری است. قرآن کریم کتابی برای همه بشریت و مطلق از تاریخ، زمان و مکان است و مطلق بودن خود را از تعلق آن به صفات مطلق خدای متعال که ما فوق تاریخ، زمان و مکان است می‌گیرد و به همین خاطر نیز برکت و منفعت آن دائمی و جاودانه است و این که خداوند متعال، دعوت به تدبر در آن را به حالت مطلق مطرح می‌کند، در همین راستا است، آن‌جا که می‌فرماید: «کتاب أنزلناه إليك مبارک لیه‌بروا آیاته و لیتذکر أولوا الألباب» (ص/۲۹).

یکی از دانش‌های قرآنی که با رویکرد جستجوی اسرار نظم و ترتیب آیات و هماهنگی و تناسب معنایی آن‌ها باهم به بررسی بافت درونی و مناسبات بین آیه‌ای و بینا سوره‌ای در قرآن کریم می‌پردازد، دانش "مناسبت" یا "تناسب" است. این دانش ثابت می‌کند که قرآن، متنی الهی و حساب شده است و از انسجام، پیوستگی و هماهنگی معنایی برخوردار است.

گویا ترین آیه‌ای که به این وجه از قرآن اشاره دارد، آیه: «اللہ نزل الحدیث کتابا متشابها مثنائی تشعور منه جلوه المذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر اللہ ذلک هدی اللہ یهدی به من یشاء و من یضلل اللہ فماله من هاد» (زمر/۲۳) است. این آیه زیبایی قرآن را در این می‌داند که عبارات آن از هر جهت به هم پیوسته و به‌دوراز هرگونه بیگانگی و دارای تأثیرگذاری زیادند که مفاهیم آن نیز به سبک و شیوه فرینه‌سازی و تقابل معنایی، کنار هم قرار گرفته و باهم متجانس شده‌اند. فواء واژه "متشابها" را به معنای "بدون اختلاف و تناقض" و "مثنائی" را به معنای "تکرار ثواب و عقاب" دانسته است (فواء، ۴۱۸). بقاعی نیز واژه "مثنائی" را به معنای اجمال و تفصیل می‌داند که بر پیوستگی آیات دلالت دارد (بقاعی، ۳۵/۴).

خداوند متعال، قرآن کریم را به طور پراکنده بر حسب وقایع و نیازها بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل کرده است. تاریخ‌نویسان درباره زمان و چگونگی نزول آیات چنین گفته‌اند: «دوره نزول قرآن مجید بر پیامبر اکرم (ص)، از آغاز مبعث شروع شده و تا نزدیک پایان زندگی آن حضرت امتداد یافته است. این مدت را ۲۰ یا ۲۳ یا ۲۵ سال گفته‌اند... نزول آیه‌های قرآن به مقتضای حکمت عالی و مناسب حوادث و پیش‌آمدهایی بود که رخ می‌داد. گاه حادثه‌ای پیش می‌آمد که دستوری می‌طلبید، وقتی هم کسانی پرسشی داشتند که جواب اقتضا می‌کرد و یا اساساً تشریح حکمی لازم می‌نمود و یا ترغیب مردم به فضایل و نهی از رذایل در بایست بود؛ یا به اقتضای حکمتی، حکایتی از انبیای سلف باید سروده می‌شد...»

(رامیار، ۱۹۷-۲۰۰). این واقعیتی است که خود قرآن نیز آن را تأیید می‌کند، آنجا که خداوند می‌فرماید: «و قرآنًا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» (إسراء/۱۰۶).

سؤال این است که با این حال، آیا آیات سوره‌ها، به ویژه سوره‌های طولانی با هم متناسب هستند؟ اگر متناسبند این تناسب و پیوند بر اساس چه ساز و کارهایی است؟ برخی معتقد بودند که جایز نیست که بین آیات تناسبی را جستجو کرد؛ چرا که آیات بر حسب وقایع متعدد و فاصله‌های زمانی دور از هم نازل شده‌اند و برای همین ارتباطی بین آن‌ها نیست. از جمله این افراد عبد العزیز بن عبد السلام، شوکانی، ابوالعلاء محمد بن غانم در عصرهای پیشین و افرادی از جمله طه حسین، در دوره معاصرند. بر خلاف این عده، بیشتر علمای مسلمان عقیده دارند که درست است آیات بر حسب وقایع و حوادث نازل شده‌اند، ولی بر حسب حکمت مرتب شده‌اند و با هم تناسب و هماهنگی دارند. این عده برای تأیید نظر خود، به آیه «الر کتاب أوحیٰ تم فصلت من لدن حکیم خبیر» (هود/۱)، استناد می‌کنند. از جمله این افراد، ابوبکر نیشابوری، ابن عربی، فخرالدین رازی، ابوالحسن علی بن احمد حرالی و ابراهیم بن عمر بقاعی و در دوره معاصر، سید قطب و علامه طباطبایی اند.

سوره آل عمران، یکی از سوره‌هایی است که آیات آن با فاصله زمانی دور از هم و به مناسبت‌های مختلف و حوادث و وقایع گوناگون نازل شده‌اند. نگارنده در این مقاله در پی آن است که آیات این سوره را از نظر ارتباط و پیوستگی معنایی و عوامل پیوند دهنده آن‌ها مورد بررسی و پژوهش قرار دهد و مشخص سازد که آیات این سوره با وجود کثرت و تنوع مضامین و این‌که با فاصله‌ی زمانی دور از هم نازل شده‌اند، با یکدیگر پیوند و تناسب معنایی دارند. در این راستا، بعد از طرح و بیان مسأله و پیشینه تحقیق، به بررسی معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌ی "مناسبت" و دانش تناسب پرداخته شده و سپس نامگذاری این سوره، اسباب نزول آیات آن و تناسب معنایی و عوامل پیوند دهنده و رازهای بلاغی و زیبایی‌ساز در آن‌ها همچون تقابل، تضاد، نظیره‌سازی، اجمال و تفصیل و غیره مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

اصل تناسب در همه امور و اجزای هستی جاری است و بقا و زیبایی آن‌ها به خاطر وجود همین تناسب در آن‌ها است و خداوند آن را آیه و نشانه قدرت و حکمت خود می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور» (ملک/۳). این موضوع درباره قرآن نیز به عنوان سخن خداوند صادق است و خداوند عدم اختلاف در آن را دلیل نزول آن از طرف خود معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أفلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافًا کثیرا» (نساء/۸۲).

بحث تناسب در زمینه قرآن و آیات آن، از همان زمان نزول آیات و آن گاه که پیامبر (ص) آیات را برای مسلمانان می‌خواند، مورد توجه آن حضرت و مسلمانان قرار داشته است. به عنوان مثال، امام جعفر صادق (ع) از پدر بزرگوارش به نقل از جابر بن عبدالله انصاری می‌فرماید: «پیامبر (ص) وقتی نزدیک صفا شد، آیه «إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (بقره/۱۵۸) را قرائت کرد و سپس فرمود: «أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ فَبَدَأُ بِالصِّفَا». شاهد مثال در این جا، مقدم شدن واژه‌ی "صفا" بر "مروه" در آیه و عمل کردن پیامبر (ص) متناسب با آن است» (بازمول، ۲۰).

در موردی دیگر، "لبی بن کعب" یکی از کاتبان وحی، در رد کسانی که معتقد بودند، آیه «ثُمَّ انصرفوا صرف الله قلوبهم بأنهم قوم لا يفقهون» (توبه/۱۲۷)، آخرین آیه‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده، می‌گوید: «پیامبر (ص) دو آیه دیگر بعد از این آیه برای من قرائت کرد که عبارتند از: «لقد جاءكم رسول من أنفسكم... و هو رب العرش العظيم» (توبه/۱۲۸-۱۲۹) و این آخرین موردی است که از قرآن نازل شده و لذا خداوند -الله أعلم- خواسته که قرآن را با آن چه آغاز کرده بود، یعنی «ما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون» (الأنبياء/۲۵) پایان دهد (سیوطی، ۱۳۹۸، ۳۶/۱).

در مورد اولین کسی که درباره وجود زیبایی شناسی قرآن و وجود نظم و تناسب واژگانی و معنایی در قرآن به تحقیق و پژوهش پرداخته، اختلاف نظر وجود دارد و دقیقاً مشخص نیست. مصطفی صادق رافعی، دیدگاه خود را در این زمینه چنین بیان کرده است: «اولین افرادی که در این زمینه دیدگاه مستقل خود را آشکارا مطرح کرده‌اند، بعضی از معتزلی‌ها بودند که اعتقاد داشتند فصاحت قرآن معجزه نیست و این باعث شد که بحث و گفتگو و تألیف پیرامون این موضوع زیاد شود و ادیب توانمند، ابوعثمان عمرو بن بحر (م ۲۵۵ق) معروف به "جاحظ" از جمله کسانی است که در این زمینه کتابی به نام نظم القرآن نوشته و این کتاب اولین تألیف در این زمینه است» (رافعی، ۱۰۶).

زرکشی آغاز این علم را از قول شیخ ابوالحسن شهرابانی به "ابوبکر نیشابوری" (م ۳۲۴ق) نسبت می‌دهد و می‌گوید: «اولین کسی که در بغداد علم مناسبت را آشکار ساخت و ما پیش از او، از دیگران آن را نشنیده بودیم، شیخ ابوبکر نیشابوری است، کسی که در زمینه شریعت و ادبیات دانش فراوانی داشت. در مجلس هر گاه آیه‌ای خوانده می‌شد، می‌گفت: چرا این آیه در کنار فلان آیه قرار گرفته، حکمت قرار گرفتن این سوره در کنار فلان سوره چیست، به دانشمندان بغداد به خاطر بی‌اطلاعی نسبت به علم مناسبات عیب می‌گرفت و از آن‌ها انتقاد می‌کرد» (زرکشی، ۳۷).

بعد از ابوبکر نیشابوری، از جمله افرادی که به این موضوع توجه نشان دادند، ابن عربی (م ۵۴۳ق) است. او در این باره چنین گفته است: «ارتباط آیه‌های قرآن با یکدیگر به گونه‌ای است که معانی آن‌ها

هماهنگ و دارای ساختمانی منظمند و این دانش بزرگی است که جز یک نفر که در باره سوره بقره کار کرد، کسی به آن نپرداخته است. خداوند برای ما زمینه‌ای را فراهم کرد ولی چون حاملان و مشتاقانی برای آن نیافتیم و مردم را آراسته به صفات بیهوده و بی‌معنا یافتیم، بر آن مهر نهادیم و آن را بین خود و خدای خود قرار دادیم و به خودش بازگردانیم» (همانجا).

در دوره‌های بعد، عالمانی همچون؛ ابو الحسن علی بن احمد حرالی (م ۶۳۷ق) در کتاب مفتاح الباب المقفل علی فهم القرآن المنزل، فخرالدین رازی در التفسیر الکبیر و جلال الدین سیوطی در کتاب تناسب الدرر فی تناسب الشور به موضوع تناسب بین آیات و سوره‌های قرآن پرداختند، اما کسی که بعدها مبنای تفسیر خود را تناسب بین آیات و سوره‌ها قرار داد، برهان الدینی بقاعی (م ۸۸۵ق) بود که کتاب نظم الدرر فی تناسب الآیات و الشور را نوشت.

در دوره معاصر نیز افرادی همچون؛ محمد عبده و رشید رضا در تفسیر المنار، سید قطب در کتاب فی ظلال القرآن، عبدالله الغماری در جواهر القرآن فی تناسب سور القرآن، احمد ابوزید در کتاب التناسب البیان فی القرآن، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، مصطفی مسلم در کتاب مباحث فی التفسیر الموضوعی، عبدالعلی بازرگان در کتاب نظم القرآن، محمد هادی معرفت در کتاب التمهید فی علوم القرآن و دکتر محمد الدواز در کتاب النبأ العظیم، به موضوع تناسب آیات و سوره‌ها پرداخته‌اند.

تناسب در لغت

واژه "تناسب" یا "مناسبت"، از ریشه "نسب" گرفته شده و معنای وضعی و حقیقی آن، داشتن قرابت و پیوند خویشاوندی از طرف پدر یا مادر و یا هردوی آن‌ها است و در قرآن کریم به همین معنی به کار رفته است، آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید: «و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیراً» (فرقان/۵۴).

در کتاب‌های لغت نیز این واژه به معنای حقیقی آن یعنی خویشاوند آمده است: «فلان یناسب فلاناً فهو نسبه ای قریبه» (فلانی با فلانی نسبت دارد یعنی نزدیکی خویشاوندی دارد) (جوهری، ۲۲۴/۱).

این واژه علاوه بر معنای وضعی و حقیقی، معنای مجازی و بلاغی نیز پیدا کرده است. زبیدی در این-باره می‌گوید: «المناسبة أى المشاکلة». در اینجا واژه "مناسبت" در معنای مجازی و به معنای هم‌شکلی است، چون وقتی گفته می‌شود "بین شیئین مناسبة و تناسب" یعنی بین آن دو همانندی وجود دارد (زبیدی، ۲۶۵/۴).

تناسب در اصطلاح

اصطلاح "تناسب" یا "مناسبت" در دوره‌های پیشین، بیشتر در معنای مجازی آن و به عنوان نوعی از فنون و آرایه‌های بلاغی به کار رفته است. به عنوان مثال در کتاب *المناسبت* فی إعجاز القرآن این واژه به عنوان نام یکی از انواع تجانس آمده است: «تجانس به دو گونه است: ۱- مزاجت ۲- مناسبت. نویسنده دو کلمه "صرف" و "انصرف" را در آیه «ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم» (توبه/۱۲۸) برای "تجانس مناسبت" نمونه آورده است (خلف الله، ۹۹).

ابن ابی الإصبع در کتاب *بدیع القرآن* خود، این واژه را برای نام یکی از انواع فنون بدیعی به کار برده است و می‌گوید: "مناسبت دو گونه است: ۱- مناسبت در معانی ۲- مناسبت در الفاظ... مناسبت در معانی مانند آیه «لاتدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار و هو اللطیف الخبیر» (انعام/۱۰۳) که دو واژه "لطیف" و "خبیر" در پایان آیه از نظر معنایی نه لفظی، با دو عبارت «لاتدرکه الأبصار» و «هو یدرک الأبصار» مناسبت معنایی دارند. مناسبت لفظی، آوردن کلمه‌ای موزون و مقفا یا موزون غیر مقفا است و به مناسبت ناقص و مناسبت تام تقسیم می‌شود (ابن ابی الإصبع، ۱۳۱-۱۳۳).

این واژه در دوره‌های بعد برای شاخه‌ای از علوم قرآن یعنی علم مناسبت، اسم خاص شد و این گونه تعریف گردید: «علم مناسبت علمی شریف است که خرده‌ها با آن سنجیده می‌شود و بوسیله آن ارزش سخن و جایگاه گوینده آن مشخص می‌گردد و مفهوم آن پیوند و رابطه بین معانی موجود در جملات یک آیه و یا بین آیات یک سوره با یکدیگر است» (زرکشی، ۳۶).

با توجه به تعریف بالا، این علم به نوعی دارای مفهوم و کارکرد بلاغی شد و به همین خاطر، بقاعی آن را راز بلاغت دانسته و در تعریف آن گفته است: «علم مناسبت قرآن، علمی است که به وسیله آن علت‌های ترتیب اجزای قرآن دانسته می‌شود و آن راز بلاغت است چون با تحقق آن مفهوم بلاغت یعنی مطابقت معانی با اقتضای حال محقق می‌گردد.» (بقاعی، ۱۰/۱).

نامگذاری سوره و اسباب نزول آیات آن

نام این سوره از آیه «إن الله اصطفى آدم ونوحا وآل إبراهيم وآل عمران علی العالمین» (آل عمران/۳۳) گرفته شده و این نام در کل قرآن فقط یک بار آمده است. این سوره در مدینه نازل شده و شامل ۲۰۰ آیه، ۳۴۸۰ کلمه و ۱۴۵۲۵ حرف است و تقریباً نزدیک به دو جزء از قرآن را در بر می‌گیرد. در روایات معمولاً نام این سوره در کنار سوره بقره آورده شده است که اشاره به تناسب معنایی و پیوند اغراض و مضامین این دو سوره دارد. در حدیثی که "یحیی بن نعیم" از پیامبر اکرم (ع) روایت می‌کند، آمده است: «تعلموا البقرة وآل

عمران فإنهما الزهراون وإنهما تأتيان يوم القيامة في صورة ملكين شفيعين له جزاء حتى يدخلا الجنة» (تعلبی، ۵/۳).

برای آیات سوره آل عمران، اسباب نزول متفاوت و حتی متناقضی ذکر شده که پرداختن به همه آنها در حوصله این گفتار نمی‌گنجد و فقط به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم. در تفسیر طبری، شأن نزول ۸۳ آیه آغازین این سوره درباره نفی الوهیت از غیر خداوند و حجتی برای گروه مسیحیان نجران یمن دانسته شده که درباره عیسی (ع) با پیامبر (ص) اختلاف داشتند (طبری، ۲۰۸/۲). در کتاب البدایة و النهایة آمده است که آیات ۱۲۱ تا ۱۷۹ از سوره آل عمران در باره جنگ احد نازل شد (ابن کثیر، ۱۹۷/۴). سیوطی معتقد است که ده آیه پایانی این سوره به جز آیه ۱۹۹ که درباره "نجاشی" پادشاه حبشه است، از جمله آیاتی است که سبب نزول ندارند و در شب نازل شده‌اند (سیوطی، ۹۸/۱).

واحدی در کتاب اسباب نزول مواردی را ذکر می‌کند که با یک جا نازل شدن بیش از هشتاد آیه آغازین این سوره مغایرت دارد، به عنوان مثال درباره آیه «شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة و أولوا العلم» (آل عمران/۱۸) از قول "کلبی" نقل می‌کند و می‌گوید: «زمانی که پیامبر (ص) وارد مدینه شدند، دو نفر یهودی درباره بزرگ‌ترین شهادت در کتاب خدا از آن حضرت پرسیدند که این آیه در جواب آنها نازل شد» (واحدی، ۶۷).

درباره آیه «قل اللهم مالك الملك...» (آل عمران/۲۷) از ابن عباس روایت شده که: «این آیه وقتی پیامبر (ص) مکه را فتح کردند و به امت خود وعده فتح روم و فارس را دادند، منافقان و یهودیان گفتند: هیئات هیئات! محمد به مکه و مدینه بسنده نکرده و می‌خواهد ملک فارس و روم را بگیرد و این آیه در جواب آنها نازل شد» (همو، ۶۸).

ابوالحسن واحدی نیشابوری معتقد بود که «فقط آیات ۵۸ تا ۸۱، در مورد قضیه مسیحیان نجران نازل شده است» (همو، ۵۱)، ولی سیوطی نقل می‌کند که «آیه ۷۹ تا ۸۱ در مورد قضیه مسیحیان نجران نازل شده و آیه‌های ۶۷، ۶۸، ۷۳ و ۷۷، درباره یهودیان و توطئه آنها درباره مسلمانان نازل شد» (سیوطی، ۱۴۳۱ق، ۵۸-۵۹). از سعید بن جبیر روایت شده که «أول ما أنزل من آل عمران: هذا بيان للناس و هدى و موعظة للمتقين ثم أنزلت بقيتها يوم أحد» (سیوطی، ۱۳۹۸ق، ۳۵/۱).

ابن کثیر درباره زمان نزول آیه ۶۱ این سوره و موضوع مباهله چنین استدلال می‌کند: «با توجه به این که در موضوع مباهله امام حسن (ع) و امام حسین (ع) آن قدر بزرگ شده بودند که پیامبر (ص) دست آنها را گرفته و به همراه خود برای مباهله بیرون برده است، نمی‌تواند موضوع مباهله در قبل از سال‌های سوم و چهارم هجری بوده باشد، چرا که ازدواج امام علی (ع) با حضرت فاطمه (س) در سال دوم هجری بوده

است» (ابن کثیر، ۱۶۱/۴).

در تفسیر أحسن الحدیث زمان مباحله به نقل از ابن اثیر سال دهم هجری دانسته شده است: «جریان مباحله چنان‌که ابن اثیر در تاریخ کامل تصریح کرده، در سال دهم هجری واقع شده و آن روز ۲۴ ذی الحجه، شش روز بعد از جریان مقدس غدیر خم است و از عمر آن حضرت فقط دو ماه و چهار روز باقی مانده بود» (قرشی، ۹۷/۲).

تناسب معنایی آیات سوره آل عمران

اختلاف در اسباب نزول آیات این سوره باعث شده است که پژوهشگران درباره تناسب آیات این سوره دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، گروهی آن را کاملاً منسجم و به هم پیوسته و گروهی آیات آن را گسسته و بدون تناسب بدانند. به عنوان مثال عزالدین بن عبد السلام در این باره اعتقاد خود را چنین بیان داشته است: «در ارتباط دادن آیات به هم شرط است که در یک امر واحد باشد ولی اگر اسباب نزول مختلف باشند، ارتباط آیات به یکدیگر جایز نیست... قرآن در بیست و اندی سال به خاطر حوادث و وقایع گوناگون نازل شد و در این صورت ارتباط آیات با یکدیگر نیکو نمی‌نماید» (زرکشی، ۳۸).

علامه طباطبایی بر خلاف آن‌هایی که آیات قرآن را بیگانه از هم می‌دانند، این سوره را آن قدر هماهنگ و منسجم می‌داند که احتمال می‌دهد همه آیات آن یک جا نازل شده باشد؛ لذا می‌گوید: «این احتمال خیلی به ذهن نزدیک می‌رسد که سوره آل عمران همه‌اش یکباره نازل شده باشد برای این‌که آیاتش که دوپست آیه است، ظهوری روشن در بهم پیوستگی و انسجام دارد و از اول تا به آخر متناسب باهم است و پیداست که همه اغراض آن‌ها به هم مرتبط می‌باشند» (طباطبایی، ۴/۳).

درست است که دانستن اسباب نزول باعث برطرف شدن اشکال و ابهام از آیات می‌شود و به فهم معنای آیات قرآن کمک می‌کند و حتی برخی مفسران شناخت وجه تناسب آیات را منوط به آگاهی از سبب نزول می‌دانند (صبحی صالح، ۱۵۰)، اما برخی این موضوع را در علم مناسبت شرط ندانسته و گفته‌اند: «در مناسبت، اسباب نزول شرط نیست چون مقصود از مناسبت، قرار دادن آیه در جایی است که با آن تناسب داشته باشد. آیات بر حسب اسباب آن‌ها نازل می‌شوند و پیامبر (ص) بر حسب تعلیمات خداوند و توقیف آن حضرت، آن‌ها را در جای مناسب خود قرار می‌دهد» (زرکشی، ۳۰).

برای اثبات تناسب می‌بایست ربط دهنده‌های بین آیات و عبارات متن سوره را جستجو کنیم تا وحدت متن که هدف و غایت این دانش است، روشن گردد. بلاغت‌شناسان و قرآن‌پژوهان برای ربط جمله‌ها یا عبارات یک متن، ربط دهنده‌هایی را در دانش مناسبت قائل شده‌اند که باعث پیوند هنری و بلاغی و تشکیل

یک موقعیت هندسی و استواری از ساختمان متن می‌گردند. به عنوان مثال در کتاب البرهان فی علوم القرآن در این رابطه چنین آمده است: «مرجع مناسبت به یک معنای رابط بین دو مسأله مورد نظراز قبیل؛ رابط عام یا خاص، عقلی یا حسی یا خیالی و وهمی و دیگر ارتباطات مانند تلازم ذهنی، سبب و مسبب، علت و معلول، دو نظیر، دو متضاد و یا تلازم خارجی مانند ترتیب بر حسب وجود خارجی بر می‌گردد» (همو، ۳۶).

سوره آل عمران متنی است که در ساختمان آن سه بخش مقدمه، بدنه و خاتمه به وضوح دیده می‌شود و با دقت و استواری طراحی و پی‌ریزی شده‌اند و پیام واحدی را می‌رسانند، هرچند مطالب و مضامین متعددی در آن وجود دارند؛ مضامینی همچون اثبات یگانگی و قیومیت خداوند، تبیین ویژگی‌های قرآن، تبیین آیین توحیدی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت عیسی (ع) و بیان ویژگی‌های اهل کتاب و انحرافات آن‌ها، تبیین صحیح آیین اسلام، تبیین حوادث دو جنگ بدر و احد، موضوع ربا، بحث حج، امر به معروف و کار خیر و انفاق، ترغیب به صبر، تقوا و اتحاد، نهی از منکر و حب دنیا و زیاده‌خواهی و غیره، از مواردی است که در این سوره به آن‌ها اشاره شده است.

با تأمل در آیات این سوره از نظر سبک چینش موضوعات و مفاهیم، تقسیم بندی محتوا و نظم آیات آن می‌توان این‌گونه گفت که آیات این سوره، شرح و تفصیل مفهوم آیه «و لقد أنزلنا إليك آیات مبينات و مثالا من اللذین خلوا من قبلکم و موعظة للمتقین» (نور: ۳۴) است که در دو بخش موازی به این مهم می‌پردازند؛ آیات بخش نخست، عبارت «و لقد أنزلنا ... من قبلکم» را توضیح می‌دهند و آیات بخش دوم، شرح و تفصیل «موعظة للمتقین» را برعهده دارند که بر اساس یک هدف و غرض خاص، کنار هم قرار گرفته‌اند.

هدف و محور اساسی که مطالب و مضامین این سوره به آن می‌پردازند، اثبات وحدانیت و قیومیت خداوند در هستی و دعوت انسان‌ها به پذیرش این اصل و تشویق مؤمنان به پایداری در این راه برای رسیدن به رستگاری و جاودانگی است، موضوعی که پیامبر اسلام (ص) نیز از همان آغاز بعثت، اساس رسالت خود و دین اسلام را بر آن قرار داده بود. در روایات آمده است که آن حضرت در آغاز رسالت در مکه، تنها تقاضایی که از مردم داشت این بود: «یا ایها الناس! قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» (ابن کثیر، ۵۵/۳) و به خاطر همین مضمون عالی و شریف است که از طرف پیامبر (ص) این سوره به «تاج القرآن» ملقب شد، آنجا که فرمود: «لکل شیء تاج و تاج القرآن سورة آل عمران» (بقاعی، ۲۰/۴).

نظر نگارنده بر این است که اگر در واژه‌های کلیدی، فراوانی آن‌ها و معانی آیات سوره، تأمل و دقت کنیم، پیوستگی و تناسب معنای و وحدت موضوعی آن‌ها روشن و آشکار می‌گردد؛ به گونه‌ای که گویی

تمام آیات این سوره، شرح و تفصیل همین عبارت «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» است و گزینش و چینش عبارت «الله لا إله إلا هو» در آغاز سوره و واژه «تفلحون» در پایان سوره به همین منظور بوده است. پیوستگی و هماهنگی معنایی زمانی بهتر روشن می‌شود که درمی‌یابیم آیات این سوره از نظر ساختار معنایی، هنرمندانه به دو بخش کاملاً موازی و متوازن تقسیم شده‌اند. آیات نیمه نخست این سوره یعنی صد آیه اول آن، به تعلیم و تبیین حقایقی درباره وحدانیت و قیمومیت خداوند و معنادار بودن هستی می‌پردازد و هدف متن در این بخش تعدیل اندیشه و سلوک انسان‌ها به ویژه منحرفان اهل کتاب و تسلیم همه جانبه آن‌ها نسبت به این اصل است. این موضوع از تکرار عبارت «لا إله إلا الله»، اظهار ۲۱۱ بار لفظ جلاله «الله»، کثرت مفاهیم و مضامین پیرامون واژه «اسلام» به معنای تسلیم، توضیح و تجسید صفت «قیوم» با ذکر نمونه‌ها و موارد عینی و حسی از این واژه، آشکار و استنباط می‌گردد.

آیات بخش دوم با استفاده از اسلوب هنری و بلاغی تقابل سازی مفاهیم، با بخش نخست پیوند خورده‌اند؛ چرا که بر عکس بخش نخست که به ترسیم ویژگی‌های شخصیتی اهل کتاب می‌پرداخت، در این بخش به تبیین اندیشه و سلوک و ترسیم شخصیت مؤمنان و تشویق آن‌ها به پایداری و ثبات قدم در راه ایمان به خداوند یکتا و شجاعت بخشی به آن‌ها برای گذشتن از جان و مال و مبارزه با خواهش‌های نفسانی، چیزی که غیر مؤمنان به آن گرایش شدید دارند، می‌پردازد؛ لذا دو ویژگی «صبر و تقوا» اساس و محور مطالب آیات این بخش است که مؤمنان به آن ترغیب گردیده‌اند. فراوانی واژه‌ها و عبارات «یا ایها الذین آمنوا، اتقوا، اصبروا، اعتصموا، لا تفوقوا، تأمرون، تنهون، یسارعون فی الخیرات، أطیعوا الله و الرسول، ینفقون، لا تأکلوا الربوا، لا تهنوا، رابطوا، تفلحون و...»، مؤید همین موضوع است.

بخش نخست: شرح و تبیین وحدانیت و قیومیت خداوند

آیات ۱ تا ۳۲ در این سوره با سبک و شیوه اجمال و تفصیل، به تبیین و شرح دو صفت «حی» و «قیوم» که در بر دارنده تمام صفات ذاتی و افعالی خداوند هستند، می‌پردازند و درباره عوامل بست و پیوند آیات در این بخش باید گفت که عبارت «نزل علیک الكتاب» در آغاز آیه سوم از نظر نحوی خیر و گزاره برای عبارت «الله لا إله إلا هو الحي القيوم» (آل عمران/۲) به حساب می‌آید و لذا بین آیه دوم و سوم پیوند استوار و محکمی برقرار است؛ چرا که هر دو آیه این معنا را می‌رساند که خداوند بی‌همتای زنده و قیوم، این کتاب را بر تو نازل کرده است.

پیوند این بخش با جملات بعدی «وأنزل القوراة والإنجیل من قبله هدی للناس وأنزل القرآن» با حرف عطف "و" است و پیوستگی معنایی نیز در آن‌ها آشکار است و در مجموع به عنوان مقدمه یا دلالت اجمالی

بر تمام مطالب سوره است؛ اما پیوند عبارت «إن الذین کفروا بآیات اللہ لهم عذاب شدید و اللہ عزیز ذو انتقام» (آل عمران/۴) با عبارات پیشین را باید از جنبه بلاغی و ابزارهای هنری مورد بررسی قرار داد و برای آن موارد مقدر و پنهان را در نظر گرفت. ابزار بلاغی استفاده شده در اینجا، تقابل‌سازی دو یا چند معنای متضاد است.

بقاعی درباره ارتباط این آیه با آیات پیش از خود می‌گوید: «این آیه جواب این سؤال مقدر است که اگر کسی نسبت به آن‌ها کافر شد چه برخوردی با او خواهد شد؟ ذکر کافران و عذاب آن‌ها بعد از ذکر فرقان چقدر زیبا و نیکو است؛ چون باعث قوت دل و شادی مؤمنان و پایداری آن‌ها در راه حق می‌گردد» (بقاعی، ۲۱۵/۴).

آیات بعدی تا آیه ۹ با استفاده از هنر بلاغی اجمال و سپس شرح و تفصیل، به بیان مصداق‌هایی از قیومیت خداوند و تشریح آن‌ها می‌پردازد و چون صفت قیومیت یک صفت جامع برای خداوند است که هم رحمت و هم نعمت او را شامل می‌شود، تفصیل و شرح آن با ذکر نمونه‌ها از ضروریات سخن بلیغ است تا منظور و مفهوم سخن آشکار شده و هیچ ابهامی در آن نباشد، لذا در این آیات واژه‌های «نزل، لا یخفی علیه، یصورکم، أنزل، لاترغ، جامع الناس و لایخلفوا و...»، مصداق‌های از صفت قیومیت خداوند هستند که از باب توسعه و گسترش سخن آورده شده‌اند.

در آیات ۱۰ تا ۳۲ ضمن اینکه چند مصداق دیگر از قیومیت خداوند، همچون «مالک الملک، توتی الملک من تشاء، تنزع الملک ممن تشاء، تعو و تذلل، تولج و تخرج، ترزق، یعلم، یحفو، یحبب و لا یحبب و...» ذکر می‌گردد، به تبیین و تشریح حالات مؤمنان و کافران نسبت به آیات خداوند پرداخته می‌شود تا این‌که پندارها، نیت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای کافران را بشناساند و بدین وسیله مؤمنان را از نزدیک شدن به آن‌ها و دوست گرفتنشان برحذر دارد: «لا یخذ المؤمنون الکافرین أولیاء من دون المؤمنین.... یحذروکم اللہ نفسہ و الی اللہ المصیو» (آل عمران/۲۸).

از آن‌جا که قصد آیات فوق بیشتر تعلیم و آگاه کردن مؤمنان از وضعیت کافران در دنیا و آخرت است، بیشتر از کافران و تمایلات دنیوی و اعراضشان از پذیرش کتاب خدا و خیالات آن‌ها درباره وضعیتشان در آخرت سخن می‌گوید. رابط و پیونددهنده آیات این بخش، فعل امری "قل" خطاب به پیامبر (ص) است که هشت بار تکرار شده است و چون در همه آن‌ها سخن از مؤمنان و کافران است، علاوه بر استفاده از ابزارهای دستوری و نحوی برای ارتباط آیات، از ساز و کار بلاغی تقابل نیز برای پیوند آن‌ها استفاده شده است.

در کنار تقابل معنایی، از هنر نظیره‌سازی نیز برای پیوند استفاده شده است که دانشمندان علم تناسب

آن را شیوه‌ای خردمندانه در بیان مطلب و رساندن معنا به‌شمار آورده‌اند. زرکشی در این باره می‌گوید: «گاهی دو آیه به هم عطف نشده‌اند که در این صورت باید رابط و دلیلی برای اتصال دو آیه پیدا کرد که از جمله آن‌ها قراین معنوی یعنی آمیختگی معنایی است که بر عکس عطف با حروف که آمیختگی لفظی است، هست و یکی از اسباب این پیوند، ساز و کار "تنظیر" یعنی نظیره‌سازی است که از روش خردمندان به حساب می‌آید و ابزار لفظی این پیوند حرف "ک" تشبیه است» (زرکشی، ۴۵).

آیات ۱۰ و ۱۱ این سوره به این شیوه با هم پیوند داده شده‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ كُدَّابٌ آل فرعون و الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (آل عمران/۱۰-۱۱).

یکی از شیوه‌های پیونددهنده آیات در این بخش بیان علت و معلول است که در آن ابتدا معلول تبیین می‌شود و سپس علت آن ذکر می‌گردد و بدین وسیله دو آیه به هم پیوند می‌خورند با اینکه حرف عطفی بین آن‌ها وجود ندارد. مثلاً دو آیه زیر که به بیان علت و معلول می‌پردازند، واژه "ذلک" ابزار پیوند دهنده آن دو است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى الْكِتَابِ لِيُحْكَمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فُرْقَانَهُمْ وَ هُمْ مَعْزُومُونَ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَ غَوَّهْمُ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (آل عمران/۲۳، ۲۴). آیات ۳۳ تا ۶۳ این سوره یک مجموعه به هم پیوسته است و مصداق آیه «و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم» (نور/۳۴) هستند؛ چون به ذکر نمونه‌هایی از سرگذشت پیامبران پیشین و خانواده‌ی آن‌ها از حضرت آدم (ع) تا حضرت عیسی (ع) می‌پردازد که داستان همه آن‌ها با غرض اصلی این سوره یعنی تبیین وحدانیت و قیومیت خداوند مرتبط هستند.

واژه "إِصْطَفَى"، در آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳) قیومیت خداوند یکتا را اثبات می‌کند. آن‌چه این آیات را یک مجموعه منسجم و متناسب باهم اعلام می‌کند این است که همه آن‌ها پیرامون غرض اصلی سوره و مصداقی برای وحدانیت و قیومیت خداوندند، چه آنجا که این سرگذشت‌ها را خبرهای غیبی برای تعلیم درست آیین‌ها و ادیان آسمانی گذشته بر می‌شمارد که به پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) وحی کرده است و کسی دیگر از آن‌ها خبر ندارد، مانند آیه «ذَلِكُمْ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَقْلَامُهُمْ أَكْفَلُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (آل عمران/۴۴) و چه آنجا که این‌ها را داستان‌ها و سرگذشت‌های درست و صادق معرفی می‌کند که حقیقت یکتایی و قیومیت خداوند را اثبات می‌کنند، مانند «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران/۶۲) و از پیامبر (ص) و مؤمنان می‌خواهد این‌ها را علم حقیقی بدانند و هرگونه شک و تردید را در این زمینه از خود دور سازند و فریب پندارها و دروغ

پردازای‌های اهل کتاب را نخورند: «الحق من ربك فلا تكن من الممترین فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و نساءنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الكاذبین» (آل عمران/ ۶۰-۶۱).

آیات این مجموعه علاوه بر حروف ربط رایج در زبان همچون "واو، فاء، ثم" و... که از ابزارهای پیوندی آشکار در زبانند، از پیوند دهنده‌هایی همچون واژه "إذ" به معنای آن‌گاه، برای ربط و پیوند هنری سرگذشت‌ها، داستان‌ها و خبرها به یکدیگر استفاده شده و هر کدام از آن‌ها، نمونه و مثالی از یک مجموعه مرتبط به هم یعنی "أبناء الغیب" بیان گردیده‌اند. در این صورت، هماهنگی و تناسب آن‌ها با یکدیگر واضح و آشکار است.

در مجموع پنج داستان و خبر مهم در رابطه با "آل عمران" در این قسمت آمده‌اند که چون در راستای اثبات وحدانیت و قیومیت خداوند آمده‌اند، با محتوا و غرض اصلی سوره تناسب دارند؛ داستان مادر حضرت مریم (س)، داستان تکفل او توسط زکریا (ع)، داستان حضرت مریم و فرزندش حضرت عیسی (ع) و داستان مباحله که علاوه بر پیوند معنایی و همانندی موضوعی بین آن‌ها، واژه "إذ" در ابتدای هر مورد رابط و پیونددهنده آن‌هاست «إذ قالت امرأة عمران...» و «إذ قالت الملائكة یا مریم...» إذ قال الله یا عیسی...» (آل عمران/ ۴۲، ۵۵، ۳۵).

آیات ۶۳ تا ۹۹ این سوره به بررسی ویژگی‌های فکری و رفتاری نادرست و غیر حقیقی اهل کتاب و دیگر کافران و مشرکان در گذشته و حال می‌پردازد. وقتی به سیاق و سبک آیات این مجموعه توجه می‌کنیم، می‌بینیم افکار و رفتار غلط اهل کتاب دسته بندی شده و هر مجموعه با فعل امر "قل" خطاب به پیامبر (ص) و عبارت "یا أهل الکتاب" خطاب به یهودیان و مسیحیان آغاز شده است که محتوای همه آن‌ها با غرض اصلی سوره یعنی آموزش علم حقیقی نسبت به وحدانیت خداوند متعال و دعوت به پرستش خدای یگانه، متناسبند و با هم کاملاً پیوند دارند و عامل پیوند بین آن‌ها نیز همین عبارت «قل یا أهل الکتاب» است.

در تفسیر المیزان، ارتباط آیه «لن تنالوا البوحتى تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شیء فإن الله به علیم» (آل عمران/ ۹۲) در این سوره با دیگر آیات ضعیف دانسته شده و در توجیه آن آمده است: «ارتباط این آیه با ما قبلاً واضح و روشن نیست، ممکن هم هست در ضمن آیاتی که تردیدی در ارتباط آن‌ها نیست، نازل شده باشد چون تاریخ آنها نزول با هم متفاوت است، لذا توجیهات دیگر مفسران بیهوده است و اتصالی وجود ندارد، ولی بقیه آیات دارای ارتباطی روشنند» (طباطبایی، ۵۳۲/۳).

اما بقاعی در تفسیر نظم الدرر این آیه را با آیات پیش از خود مرتبط می‌داند و چنین می‌گوید: «در این

آیه خداوند بعد از پایان داستان کافران لجوج به بیان حالتی از حالات آن‌ها می‌پردازد که با آن حالت می‌خواهند خود را نجات دهند لذا راه درست نجات را قبل از مردن به آن‌ها نشان می‌دهد و به راهنمایی آن‌ها می‌پردازد تا حجت را بر آن‌ها تمام کرده باشد و دیگر ادعا نکنند چرا که ما یاد ندادیم که چه کارهایی را انجام دهیم» (بقاعی، ۱/۵).

بخش دوم: انگیزش برای پایداری در راه ایمان

در بخش نخست دیدیم که غرض اصلی آیات آن، آگاهی بخشی و دعوت به تعقل در باره وحدانیت و قیومیت خداوند و پذیرش آن بود. خداوند از طریق استدلال و برهان، ذکر نمونه‌ها و استفاده از روش پند و نصیحت، به ارائه علم حقیقی و اثبات این ویژگی‌های خود پرداخت و غلط بودن پندار و رفتار منکران و مشرکان را در این زمینه تبیین کرد «قد بینا لكم الآيات إن كنتم تعقلون» (آل عمران/۱۱۸) و بر اساس سنت الهی اگر کسی این دعوت را نپذیرفت و از آن روگردانید، باید به حال خود رها شده و به خداوند سپرده شود؛ چرا که خودش در قرآن می‌فرماید: «قل للذین أوتوا الكتاب و الأُمیین أَلْسَلِمْتُمْ فَإِن أَسَلِمُوا فَكَدِ إِهْتَدُوا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَیْكَ الْبَلَاغُ وَ اللّهُ بِصِیْرٍ بِالْعِبَادِ» (آل عمران/۲۰)، اما خداوند مؤمنان را مانند کافران به حال خود رها نمی‌سازد بلکه وقتی دانایان از نادانان و خبیث از طیب مشخص گردید، به تربیت و پرورش دانایان و راهنمایی و حفاظت آن‌ها از خطر انحراف و نیرنگ کافران می‌پردازد که «لقد مرع اللّٰه علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولاً من أنفسهم يتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و إن كانوا من قبل لفی ضلال مبین» (آل عمران/۱۶۴).

آیات بخش دوم این سوره می‌توانند مصداق و تفصیل عبارت «موعظة للمّتقین» باشند؛ چرا که هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک و سیاق، پیرامون توجه خداوند به مؤمنان یکتاپرست و تقویت روحی و روانی آنان است و با ارائه راهکار، آن‌ها را از نیرنگ کافران و انحراف از راه درست باز می‌دارد و به کسب فلاح و رستگاری تشویق می‌کند.

از نقطه نظر هنری و زیبایی‌شناختی، پیوند این بخش با بخش قبلی تغییر، روی سخن از اهل کتاب به مؤمنان با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» و برحذر داشتن مؤمنان از دنباله‌روی اهل کتاب در اندیشه و رفتار در امور مختلف است. به عبارت دیگر مجموعه آیات این بخش، بعد جدیدی را مطرح کرده و به ترسیم شخصیت مؤمنان در مقابل ترسیم شخصیت اهل کتاب پرداخته است که توازن و توازی هندسی بسیار زیبا را در ساختار معماری سوره ایجاد کرده است.

آیات این بخش را می‌توان به سه مجموعه یعنی آیات ۱۰۰ تا ۱۲۰؛ ۱۲۱ تا ۱۸۶ و ۱۸۷ تا ۲۰۰ تقسیم

کرد. ۱- در مجموعه آیات ۱۰۰ تا ۱۲۰، مؤمنان از پیروی کردن و دوستی با برخی از اهل کتاب که منکر آیات الهی شده‌اند، نهی می‌شوند و به آن‌ها راهکاری ارائه می‌شود که در صورت عمل به آن باعث هدایشان به راه راست و سعادت در زندگی دنیوی و ورود به بهشت و رستگاری اخروی می‌گردد.

مواردی که در این مجموعه کنار هم قرار گرفته‌اند، همگی مواردی هستند که به شجاعت و قوت دل مؤمنان و ثبات قدم در آیین اسلام می‌انجامد و مؤمنان را به عمل بر اساس این راهکار تشویق می‌کنند. واژه‌ها و عبارات «لا تطیعوا، کیف تکفرون، واعتصموا بحبل الله، لا تقفوا، کنتم خیرأمة، لن یضروکم، ضربت علیهم الذلّة، تصبروا و تقفوا» همگی بر ایجاد شجاعت، قوت دل و دور کردن ترس و دودلی دلالت دارند. ابزار بلاغی تقابلی معنایی دو مفهوم تبیین مصیر دنیوی ناچیز و تباه کننده اهل کتاب و ترسیم مصیر اخروی مؤمنان، پیونددهنده دو بخش است. در آیات قبل صحبت از کافران و مجادله با آن‌ها بر سر انحرافات، دروغ پردازی و دعوتشان به پذیرش حقیقت بود و به همین خاطر همه خطاب‌ها متوجه آن‌ها بود، ولی در این آیات خطاب متوجه مؤمنان است و فقط با یادآوری و برشمردن ویژگی‌های ناپسند اهل کتاب، مؤمنان از آن ویژگی‌ها برحذر داشته می‌شوند.

۲- در آیات ۱۲۱ تا ۱۸۶، به تبیین دو نمونه از جنگ‌های مسلمانان و اتفاقاتی که در آن‌ها افتاد، می‌پردازد. اشاره به جنگ "بدر" که مسلمانان در آن پیروز شدند برای ایجاد شجاعت و اطمینان بخشی از یاری خداوند در زمان‌های سخت است و برای همین به دلایل پیروزی مسلمانان در آن اشاره می‌کند و در دیگری جنگ "احد" و دلایل شکست در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و به بازسازی روحیه مسلمانان و تشویق آن‌ها به پرهیز از آنچه که باعث شکست آن‌ها شد، می‌پردازد. این آیات با ابزار زبانی "اذ" به آیات پیش از خود پیوند خورده‌اند که بخشی از توضیح و تبیین اخبار غیبی برای پیامبرند «و اذ غدوت من اهلک تبویئ المؤمنین مقاعد للقتال و الله سمیع علیم» (آل عمران/ ۱۲۱).

از نظر ارتباط معنایی، این آیات با آیات قبلی مرتبط‌اند؛ چون به عنوان نمونه و مثال برای بازسازی روحیه و ایجاد شجاعت و قوت دل در مؤمنان آمده‌اند. واکاوی حوادث پیش آمده برای مسلمانان در کنار اخبار پیشینیان باعث اطمینان قلبی آنان از ثبات سنت‌های الهی در همه دوران‌ها می‌گردد و یادآوری کننده سنت ثابت الهی یعنی بردباری نسبت به سختی‌های راه خداوند و تقوا داشتن در همه حال و ایفای عهد و به دنبال آن امداد الهی و پیروزی و رستگاری است «و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذلة فاتقوا الله لعلکم تشکرون..... بلی ان تصبروا و تقفوا و یا تؤکم من فورهم هذا یمددکم....» (آل عمران/ ۱۲۳).

این مجموعه آیات چون همگی پیرامون جنگ احدند و درباره چیزهایی صحبت می‌کند که به پیروزی در جنگ در راه خدا یا به شکست در آن می‌انجامد، از نظر پیوستگی گویی یک خبر و یک آیه اند و تنها آیه

مربوط به "ربا" یعنی «یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا الربا أضعافه مضاعفة...» (آل عمران/۱۳۰) است که در نگاه ظاهر بینانه با دیگر آیات، بیگانه به نظر می‌رسد اما "بقاعی" این آیه را با دیگر آیات مرتبط می‌داند و می‌گوید: «چون دو صفت "غفور و رحیم" در آیه قبلی مطرح شد، شاید این دو صفت باعث هتک حرمت و پیروی از شهوات گردد و چون بزرگترین عامل خواری و شکست جنگ احد، رها کردن سنگر از طرف تیر-اندازان به منظور جمع‌آوری غنایم و زیاده‌خواهی بود، اقتضا می‌کرد که ربا یعنی زیاده‌خواهی که چون اقبال به آن باعث اعراض از آخرت می‌گردد و شکست و زیان را به دنبال دارد و همین طور چون ترک آن، تمرکز اراده و قوت دل برای مؤمنان به دنبال دارد، با بقیه آیات که درباره ثبات قدم و شجاعت و استواری در راه دین است، تناسب دارد» (بقاعی، ۶۳/۵-۶۴).

۳- در آیات ۱۸۷ تا ۱۹۹، ابتدا به یکی دیگر از خبر های غیبی در باره اهل کتاب اشاره می‌کند که خدا از آن‌ها پیمان گرفت تا به تبیین کتاب برای مردم بپردازند ولی آن‌ها این پیمان را نقض کردند و کتاب خدا را کنار گذاشتند و آن را به بهای ناچیز یعنی جاه و مال دنیا فروختند «وإذ أخذ الله ميثاق الذين أتوا الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه فنبذوه وراء ظهورهم و اشتروا به ثمنًا قليلًا فبئس ما يشترون» (آل عمران/۱۸۷). عامل پیوند دهنده آیات این بخش به دیگر آیات این سوره حرف ربط "واو" و واژه "إذ" است که به دیگر بخش‌هایی که با این واژه آغاز شده‌اند، پیوند دارد و توضیح و تفصیل عبارت «ذلک من أنباء الغیب نوحيه إليك...» (آل عمران/۴۴) است.

خداوند در آیات بعدی، مسلمانان را بر حذر می‌دارد تا همچون اهل کتاب نباشند که پیمان خود را با خدا بشکنند و کتاب او را کنار گذارند و مانند آن‌ها به دنیا مشغول شوند و دچار عذاب الهی گردند؛ لذا می‌فرماید: «فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب أليم.» (آل عمران: ۱۸۸) به همین خاطر آن‌ها را به تفکر و تعقل فرا می‌خواند و حقایق و اصول آیین درست و مورد نظر خود را که در اول سوره به طور مجمل بیان کرد، بار دیگر به صورت مفصل تشریح می‌کند تا اینکه یک تصویر کاملی از شخصیت مؤمن را ترسیم کرده باشد؛ مؤمنی که در همه حال به یاد خدا و در ارتباط با اوست تا بدین‌شیوه خود را از خواری عذاب قیامت برهاند و به فلاح و رستگاری برسد «الذین یذکرون الله قیامه و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الأرض وینا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار» (آل عمران/ ۱۹۱).

در بخش خاتمه و پایانی این سوره، خداوند در آیه «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران/۲۰۰)، غرض اصلی سوره یعنی ایمان آوردن به خدای یگانه و این‌که تنها او فرمانروای هستی است را یادآور می‌شود و راهکار رستگار شدن مؤمنان را که در آیات پیشین به طور مبسوط تبیین کرده بود، به طور فشرده بیان می‌کند و سوره را با آن پایان می‌بخشد تا اعلام کند که همه آیات

این سوره حکیمانه کنار هم چیده شده‌اند و از نظر معنا با هم کاملاً پیوسته و وحدت موضوعی دارند و ثابت شود که این چنین ترتیب و چینش آیات کار خداوند حکیم است و کار بشر نیست. محمود بستانی درباره این آیه و خاتمه سوره می‌گوید: «این آیه بطور فشرده به ترسیم نشانه‌های آگاهی و ایمان و مهارت اسلامی و جهاد با دو پدیده صبر و تقوا می‌پردازد که دیدگاه سوره بر آن‌ها متمرکز است و پایه و اساس فکری آن را تشکیل می‌دهند، به امید این‌که آن را به مخاطب برساند و برای همیشه در ذهن او ماندگار گردد» (بستانی، ۱/۲۹۳).

نتیجه‌گیری

از آنچه درباره آیات سوره آل عمران و تناسب معنایی بین آن‌ها گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که:

۱- آیات این سوره هر چند به مناسبت‌های مختلف نازل شده و اسباب متعدد دارند، اما بین آن‌ها پیوند و همبستگی استواری وجود دارد و همگی برای بیان و رساندن یک هدف و غرض، حکیمانه کنار هم چیده شده‌اند که این خود بیانگر یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم و نمایانگر علم الهی و توقیف آن به پیامبر (ص) است و مشخص می‌شود که هر متن از متون قرآن، از نظر زیباشناختی ادبی، بلاغی و نظم معنایی و ساختاری، نمونه‌ای والا از یک گفتمان کامل و به‌هم پیوسته است.

۲- غرض و هدف اصلی این سوره اثبات وحدانیت خداوند و قیومیت او بر تمام هستی از ازل تا ابدست و این موضوع بسیار زیبا و هنرمندانه در دو بخش موازی باهم شرح و تفصیل داده شده است؛ در صد آیه نخست این سوره به تبیین وحدانیت و قیومیت خداوند یگانه و آگاه‌کردن پیامبر (ص) نسبت به حقیقت امور و مأموریت دادن به ایشان برای دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و تصحیح عقاید منحرف اهل کتاب پرداخته می‌شود و صد آیه دوم، بر انگیزش مؤمنان جهت پایداری در راه ایمان و ارائه راهکار برای بدست آوردن رستگاری متمرکز است؛ به همین خاطر مؤمنان مورد خطاب قرار دارند و به شیوه‌های گوناگون به حفظ اسلام و پایداری در راه آن، تشویق و ترغیب می‌گردند و از پیروی شیوه کافران و مشرکان بر حذر داشته می‌شوند.

۳- ابزار تناسب سازی و پیوند آیات در این سوره، بیشتر با ابزار بلاغی اجمال و تفصیل، هنر نظیره‌سازی موضوعات متشابه و سبک تقابل سازی مطالب متضاد صورت گرفته که از ساز و کارهای ایجاد زیبایی در سخن به‌شمار می‌آیند. این ساز و کارها باعث شده تا آیات مطلع و آغازین، بدنه و خاتمه این سوره از نظر معنایی و ساختاری، باهم پیوند و تناسب پیدا کنند و یک متن کاملاً منسجم و دارای ساختار زیبا و محکم را نمایان سازند که هیچ بیگانگی و گسستی را در آن‌ها نتوان یافت.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی الإصبع، بديع القرآن، ترجمه ميرسيد على مير لوى، انتشارات آستان قدس، مشهد، ١٣٦٨ش.
- ابن كثير، البداية و النهاية، دار إحياء التراث الإسلامى، بيروت، ١٤٠٨ق.
- بازمول، محمد بن عمر، علم المناسبات فى الثور و الآيات، المكتبة المكية، بيروت، ١٤٢٣ق.
- بستاني، محمود، التفسير البنائى للقرآن الكريم، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى، مشهد، ١٤٢٢ق.
- بقاعى، برهان الدين، نظم الثور فى تناسب الآيات و الثور، دار الكتاب الإسلامى، بيروت، ١٤٠٤ق.
- ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، تحقيق ابو محمد ابن عاشور، بى جا، بى جا، ١٤٢٢ق.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة، تحقيق احمد عبد الغفور عطار، انتشارات اميرى، قم، ١٣٦٨ش.
- خلف الله، محمد، ثلاث رسائل فى إعجاز القرآن، دار المعارف، قاهره، ١٣٨٧ق.
- درويش، محيى الدين، إعراب القرآن و معانيه، دار المعارف، دمشق، ١٤٠٣ق.
- رافعى، مصطفى صادق، إعجاز القرآن و البلاغة النبوية، دار الكتاب العربى، بيروت، ١٤٣٢ق/٢٠١١م.
- راميار، محمود، تاريخ قرآن، انتشارات اميركبير، تهران، ١٣٩٠ش.
- زيبى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: مجموعة من المحققين، دار الهداية، بى جا، بى جا، تا.
- زركشى، بدر الدين، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق: ابو الفضل الدمياطى، دار الحديث، قاهره، ١٤٢٧ق.
- سيوطى، جلال الدين، الإتيان فى علوم القرآن، دار قهرمان، استانبول، ١٣٩٨ق.
- ، أسباب الغزل، مؤسسة الريان، بيروت، ١٤٣١ق.
- صبحى صالح، مباحث فى علوم القرآن، دار العلم للملايين، بيروت، ١٩٩٠م.
- طباطبائى، محمد حسين، تفسير الميزان، ترجمه سيد محمد باقر موسى، دفتر انتشارات اسلامى، قم، ١٣٧٤ش.
- طبرى، محمد بن جرير، مجمع البيان من كتابه جامع البيان، تحقيق بشار عواد معروف عصام، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٥ق.
- عائشه، حسين فريد، وشى الربيع بألوان البديع، دار قباء، قاهره، ٢٠٠٠م.
- فواء، ابوزكريا يحيى بن زيد، معانى القرآن، عالم الكتب، بيروت، ١٤٠٣ق.
- فيروزآبادى، مجد الدين محمد، القاموس المحيط، مؤسسة الرسالة، دمشق، ١٩٩٨م.
- قرشى، سيد على اكبر، تفسير أحسن الحديث، انتشارات نويد اسلام، اصفهان، ١٣٧٤ش.
- واحدى، ابوالحسن على بن احمد، أسباب الغزل، تحقيق طارق الطنطاوى، مكتبة القرآن، قاهره، بى جا، تا.